



قرآن

وسنن الهی در اجتماع بشر

اراده خداوند متعال در ارتباط با شئون متحول جامعه، جزافی و مشابه اراده جزافی حاکم خودسر و بی ضابطه است. همانطوری که زمامدار خودکامه، بدون ضوابط بر مردم حکمرانی میکند، و در مستوای حکومت چنین حاکمی پادشاهها و کیفرها براساس شایستگی و استحقاق مبتنی نیست، بلکه تنها عامل فوز و تعالی و اشغال پست و مقام همانا تحصیل عنوانی است که بگونه‌ای بزمامدار انتساب دارد و عامل مقابل اینها نیز سلب انتساب مفروض است، اراده خداوند متعال نیز در کیفرها و پادشاهها و موهبت سیادتها و زبونیها و شادکامیها و مصیبتها بفرود جامعه انسانی بر ویژه مذکور تابع انتساب به پیمبری از پیمبران و مآلاً جزاف و بی ضابطه است «و العیاذ بالله».

مثلاً ملت یهود بحکم انتساب به حضرت یعقوب و دیگر پیمبران از آن بیت

مقصودی را که ما در این نوشته مورد بحث و دقت قرار میدهیم، این است که شئون مربوط به اجتماع انسانی و شکلهای گوناگون و متدرج حکومتها و معیشتها و رنگهای مختلف آداب و رسوم و روابط متغیر و حدوث جنگها و صلحها و به یک کلام، تعاقب خوشبختیها و بدبختیها در ابعاد مختلف زندگی جوامع بشری، بر قواعد ثابت و روشهای تغییرناپذیر الهی جاری در جوامع انسانی است که ادعاه شناخت آن، ولایت آویز محکمی برای بروز بسیاری انقلابهای اجتماعی بوده، و منشأ تولد دانشهائی گردیده که از آنها بعلوم اجتماعی تعبیر می کنند.

و نخستین مرشدی که آدمی را بدین قواعد ارشاد فرمودند، قرآن کریم بوده است و بس چه آنکه در هیچیک از کتب آسمانی موجود به هیچ وجه اشارتی بر آن نرفته است، بلکه معهود از پیروان ادیان سماوی پیش از دین اسلام این است که



جلیل، می پنداشتند که فقط قوم یهود شایستگی زعامت و رهبری و سیادت را دارند و عنوان «تهود» تمام محبوبیت نزد خداوند عزوجل است بلکه این عنوان، مقام فرزندى خداوند سبحان را موجب میشود و فقط همین عنوان مجوز دخول در بهشت است.

و در مقابل آنان، ملت نصاری خود را اولیاء و ابناء خداوند متعال گمان میکردند و می پنداشتند که فقط عنوان «تضر» تمام موضوع سعادت و سیادت دارین است، و یگانه عامل دخول در بهشت موعود عنوان تضر است و انا شایستگی علم و عمل، ارزشی در اکتساب سیادت و تعالی و زبونی و سقوط ندارد!

«وقالوا لن يدخل الجنة الا من كان هوداً او نصارى، تلك امانتهم قل هاتوا برهانکم ان کتم صادقین» (آیه ۱۱۱ از سوره بقره).

«هریک از ملت یهود و نصاری میگویند: هرگز داخل بهشت نمیشود مگر کسی که یهود یا نصاری باشد. این است آرزو و هوس آنان، بگو اگر در این مدعا راستگوستید برهانتان بر آن را عرضه بدارید».

و در آیه هجدهم از سوره مائده است: «وقالت اليهود والنصارى، نحن ابناء الله واحباؤه»:

«هریک از ملت یهود و نصاری میگویند: که فقط ما فرزندان خداوند و محبوبان او هستیم».

اینگونه پندارها و خرافات، اولین بار بوسیله قرآن کریم اعلام گردید که بی پایه و بی اساس است و از آرزوهای این بوالهوسان است، و میزان سعادت و

عظمت را لیاقت و کوشش در میدان علم و عمل معرفی فرمود و بیان داشت که اراده و مشیت باریتعالی در شئون مختلف جامعه بر قوانین متقن و روشهای تغییرناپذیر استوار است که هر کس بر وفق سنن سعادت و عظمت آفرین الهی مشی کند، پیروز و موفق است و آنکس که سرپیچی کند، گرفتار سنن کیفر خیز الهی میشود و انتسابهای اعتباری هیچگونه دخالتی در سعادت و شقاوت ندارد:

«لیس باماتیکم ولا امانی اهل الکتاب، من یعمل سوءاً یجزیه ولا یجد له من دون الله ولیاً ولا نصیراً» (آیه ۱۲۳ سوره).

«نظام ربوبی وابسته بهوسهای شما و هوسهای اهل کتاب نیست، هر کس عمل سونسی انجام دهد بهسمان کیفر می شود و غیر خداوند متعال برای خود سرپرست و یاری نخواهد یافت».

و در آیه شصت و دوم از سوره بقره همه عناوین موهوم را الفاء میفرماید و معیار و میزان سعادت را علم و عمل صالح اعلام مینمایند: «ان الذین آمنوا والذین هادوا والنصارى والصالحین، من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون».

«مدعیان ایمان و اسلام، و یهودیان و نصاری و صابیان - از ارباب این عناوین - آنهاست که واقعاً ایمان بخدا و روز واپسین داشته و عمل صالح انجام میدهند، پاداش خوب نزد پروردگارشان دارند و معیشتی بدور از خوف و حزن، بهره آنان است».

و اعلام داشت: مادامی که اصول فضائل در جامعه بارور است، نعمتهای الهی از آنان سلب نمیشود و کثرت و

قلت نعم الهی رابطه با قوت و ضعف فضائل دارد، و با سقوط فضائل سقوط امت حتمی خواهد بود و این هنگام است که بقایای صور اعمال عبادی هیچگونه سودی ندارد و دعاهایشان مستجاب نمیکرد:

«حتی اذا اخذنا مترفهم بالعذاب اذا هم یجأرون، لانجاثروا الیوم انکم منا لاتنصرون» (مننون - آیات ۱۶ و ۱۵).

«تا آنکه عیاشهایشان را به عذاب مأخوذ نمودیم ناگهان رو بعبادت و دعا و زاری آوردند، ولی عقاب الهی به آنان گفتند: زاری و نیایش نکند که سودی ندارد و یقیناً شما از جانب ما مورد یاری نیستید».

اگر چه آدمی با پشت سر نهادن دورانهای پررنج و سوگبار تاریخ پرپیچ و خمش و عبور از گردنه های دشوار حوادث متعاقبه تا بدینجا که رسیده است نه فقط خستگی راه او را فرسوده نساخته و از پائینفشارده است بلکه با استقامتی سزاوار تحسین، پیاخته و جهانی نو برای خود ساخته است و با آفرینش نیروهای دامن گستر، تمامی کره زمین را تقریباً با ساکنان این سیاره بهم مرتبط گردانیده آنچنانکه کوچکترین حادثه در هر نقطه ای در کوتاهترین فاصله زمانی به اطلاع ساکنان این سیاره میرسد و اثر نیک و بد آن متناسب قرب و بعد رابطه، عاید مجموع میشود و در تسخیر کرات بالا عزم خویش را استوار و جزم کرده است، و بدون تردید از این مقامی که شاغل است امکان فراتر از آن را دارد.

رسواترین سیمای ممکن بدو ارائه کرده، نه در حقیقت زمین که در اسفل ساقین بهیمنیت مردود و سرنگونش ساخته و

عروس زیبای جهان نوراً همچون
عجوزه‌ای شوهاء گردانیده است و از این
رو، با هراس و وحشتی، آینده‌ی خویش را
در میان مه غلیظ نومیدی می‌نگرد، و
احیاناً می‌پرسد:

«آیا بشر آینده‌ای هم دارد؟ چه آن
که من و ابناء نوع من، تازه قدم از مرداب
جهل کهنسال و تنازع بقاء بیرون نهاده‌ایم،
از میان ما بسیاری سر مست از سلطه‌ای
که بر طبیعت یافتند گمراه شدند و نیروی
خود را در راه انقیاد ابناء نوع بکار بستند،
این راه سرابی بیش نبوده و ما را بهمان
مردابی که پشازه از آن قدم بیرون نهاده
بودیم باز میگرداند، ولی تمام نیروی ما
نیز در این مسیر احمقانه تباہ نشد، دانش
ما در باب جهانی که در آن زندگی
میکنیم، در مورد سحاب، ذرات اتم، در
مسائل ناچیز و مشکلات عظیم بدان درجه
رسیده است که در گذشته تصور آنهم
مقدور نبود، شاید بگوئی که دانش چیزی
مطلوب نیست، مگر آنکه در اختیار
کسانی باشد که خرد و شعور بهره‌برداري
صحیح از آن را داشته باشند؛ این خرد نیز
وجود دارد گرچه تا به امروز بصورتی
پراکنده تجلی کرده است و هنوز بدان
قدرت نرسیده است که جریان حوادث را
تحت نظر خود بگیرد، خردمندان و
پیمبران بیهوده بودن ستیز و مناقشه را
موعظه کرده‌اند و اگر ما بگفتار آنان
گوش فرادهیم، بخوشبختی نوی دست
خواهیم یافت»^۱

این فغان وزاری همه فرزندان قرن
بیستم است که از حنجره‌ی راسل
دانشمند معروف انگلستان برخاسته است
و آینده بشر را نه در تیرگی که در نابودی
با نگرانی می‌نگرند، زیرا در هر زمانی

احتمال آن میرود که دیوانه‌های قدرتمند
زمامدار با اجراء سیاست «انتقام آتی»
بمبهای جهانسوز ایدروژنی را بصفیر در
آوردند و بسوی یکدیگر پرتاب کنند و یا
اشتباهاً بدون قصد اجراء سیاست مذکور
دست بچنین دیوانگی بزنند:

«اشتباه زیاد پیش آمده است، چند
بار پرواز پرنده‌گان وحشی و دست کم
یکبار ماه با موشکهای شوروی اشتباه
شد، علامت داده شد، و بمب افکنهای
امریکا رهسپار مقصد شدند، تا امروز
اشتباه بموقع معلوم گردیده است و
بمب افکنها باز پس خوانده شده‌اند اما
هیچگونه تأمینی وجود ندارد که
اشتباههای آینده هم قبل از آنکه کار از
دست رود، معلوم، و بمب افکنها فرا
خوانده شوند و چه بسا جهان در مهلکه
جنگ اتمی و ایدروژنی فرو غلطد، بدون
اینکه قصدی در کار بوده باشد و مادام که
نظریه انتقام آتی با بمب ایدروژنی در
دستور عمل قرار دارد؛ بقاء ما آدمیان در
حال حاضر و سالهای آتی فقط و فقط
متوقف بخت و اقبال است»^۲

اما دریغاً که تناول میوه‌های این
شجره عظیم و تعلل آدمی را از لباس
کبراست مخلوع نموده و سوات وی را در
ایسن ناله نومیدانه چنانکه ملاحظه
میکنید یگانه جرقه امید، پیروی از
خردمندان و پیمبرانست و این گرایش
بمعنویات و غیب جهان، مقتضای فطرت
توحید است که آدمی هنگام گرفتاری در
ورطه شدائد بطور خود کار و ناخود آگاه و
حتی علی رغم الحادش، بمرکز هستی و
مغناطیس فطرتها متعطف می‌گردد و در
جستجوی ستن سعادت آفرین الهی
برمیآید، و از فطرت در ظلمات کفر و

شرک فرو رفته‌اش این برق امید جبهیدن
میگیرد: «و اذا مس الانسان الضر دعانا»
(سوره یونس آیه ۱۲).

در این سلسله گفتار مقصود ما ترسیم
طرح کلی «قرآن و ستن الهی در اجتماع
بشر» بطور ایجاز و اختصار است بآن امید
که اندیشمندان حوزه‌های علمی و دانشگاه
که انقلاب اسلامی، تفرق آنان را با اتحاد
و پیوستگی مبدل ساخته بشکرانه این
موهبت الهی در مقام اکتشاف این قواعد
قویمه و روشهای تغییر ناپذیر الهی که
مورد ارشاد قرآن متکرراً واقع شده بر آیند،
و گرنه این طلبه در این باب، هیچگونه
ادعائی ندارد جز تحسرت و تأسف از اینکه
نزدیک به چهارده قرن از عمر ارشاد قرآن
کسریم و هدایتش بدین طریق اقوم
می‌گذرد با آنکه در باره وجوه قرآنت قرآن
و بیان مخارج حروف و قواعد تجوید آن
کتابها نوشته شده و عمرهائی در تعلیم و
تعلیم آن صرف گردیده است ولی در باره
ستن یاد شده حتی فهرستی از سلف
صالح تألیف نگردیده! این اظهار حسرت
و اسف بر حرمان ما از رهنمائی پیشینیان
است نه ناسپاسی از زحمتهای آن
فرزندگان و صالحان.

علی ای حال، با استعانت از خداوند
متعال، در ترسیم طرح مذکور می‌پردازیم
و چون عنوان طرح، «قرآن و ستن الهی در
اجتماع بشر» بوده است، مناسب
می‌بینیم که از مفردات عنوان یاد شده،
شرح و تفسیری مختصر بعمل آورده،
سپس بمقصد موعود خواهیم پرداخت.
ادامه دارد

۱- به نقل از کتاب «آیا بشر آینده‌ای هم دارد؟».

۲- به نقل از کتاب مذکور.